



شرم امام علی از برگرداندن فدک

کلیدواژه: فدک، غاصبان فدک، امام علی (علیه السلام)، حضرت فاطمه (سلام الله علیها).
پرسش: آیا در کتاب شافی نوشته **سید مرتضی علم الهدی** این **حدیث** از **حضرت علی** (علیه السلام) در مورد **فدک** هست که می فرماید: «به راستی من شرم می کنم که چیزی را برگردانم که **ابوبکر** و **عمر** منع کرده اند» لطفا در مورد **فدک** با استفاده از منابع اهل تسنن کامل توضیح دهید.
پاسخ: چیزی که این جا باید مورد بررسی قرار گیرد، نسبتی است که به **سید مرتضی**، **علم الهدی** داده شده است.

فهرست مندرجات

- ۱ - محتوای کتاب الشافی
- ۱.۱ - دیدگاه مرحوم مغنیه
- ۲ - روایت مورد ادعا
- ۲.۱ - قرآن و شواهد
- ۳ - پانویس
- ۴ - منبع

محتوای کتاب الشافی

سید مرتضی معروف به علم الهدی از بزرگ ترین علما و دانشمندان و متکلمان **امامیه** است. یکی از اموری که مرحوم سید مرتضی به آن اهتمام می ورزید، پاسخ گویی به مسائل و شبهات اعتقادی بود. **قاضی عبدالجبار معتزلی** یکی از علمای بزرگ معتزلی **اهل سنت**، کتابی می نویسد به نام "المغنی". در این کتاب با تلاش بسیار، سعی در محکوم کردن اقوال امامیه دارد. سید مرتضی در مقابل وی کتاب "الشافی فی الامامة" را نوشت که به خوبی توانست، اوهام و خیالات **قاضی عبدالجبار** را رد کند. شخصی دیگر از اهل سنت به نام ابو الحسن بصری، بر "الشافی" سید مرتضی نقضی نگاشت.

[۱] تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۸۰، نشر اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸.
 سید مرتضی به یکی از شاگردان بزرگوارش به نام "**سلار بن عبدالعزیز**" صاحب کتاب مراسم، دستور نگارش کتابی را می دهد که در آن به سوالات ابو الحسن البصری جواب دهد. سلار در رد ابی الحسن کتابی می نویسد به نام "الرد علی ابی الحسن البصری فی نقضه کتاب الشافی فی الامامة".

[۲] تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۸۰، نشر اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸.

← دیدگاه مرحوم مغنیه

مرحوم مجد جواد مغنیه در توضیحی درباره کتاب الشافی می نویسد: (با همه خوبی ها و خصوصیات منحصر به فرد این کتاب) متأسفانه منابع این کتاب به خوبی استخراج و چاپ نشده است. ابواب این کتاب احیانا به ترتیب نیامده است. این کتاب با همه بزرگی اش که نزدیک به هزار صفحه است، اگر "بسم الله" اول و دعا آخر آن نبود حتی اول و آخر آن مشخص نمی شد. کلام عبدالجبار با کلام شریف مرتضی به نحوی ادماج و ترکیب شده است که گویا کلام یک نفر است، یا گویا لباسی است که با یک نوع نخ بافته شده است».

[۳] سیدمرتضی علم الهدی، علی بن الحسین، الشافی فی الامامة، مقدمه الشافی، ج ۳، ص ۱۹، ناشر مرکز ابحاث عقائديه. بی جا، بی تا.

همان طور که از تصریحات مرحوم مغنیه فهمیده می شود، در این کتاب اقوال قاضی عبدالجبار و رد سید مرتضی به هم آمیخته است، به طوری که احیانا تشخیص کلام سید از قاضی مشکل می شود.

روایت مورد ادعا

در جلد چهارم از کتاب الشافی، صفحه ۷۶، روایتی نقل شده است که **امام علی** (علیه السلام) درباره برگرداندن **فدک** فرمود: «من شرم دارم چیزی را که ابوبکر و عمر منع کرده اند برگردانم». طوری در این صفحات این روایت آمده است که خواننده گمان می کند ذکر این روایت از فرمایشات سید مرتضی است. اما همان طور که گذشت، کتاب الشافی در رد اقوال قاضی عبدالجبار در "المغنی"، نگاشته شده است. پس به طور حتم، ذکر این روایت از اقوال قاضی عبدالجبار است.

قرائن و دلایل این اعا چند امر است که به آن اشاره می شود:

۱. مبنا و دفاعیات سید مرتضی به عنوان یکی از متکلمان و علمای امامیه در موضوع فدک در همین کتاب و دیگر کتب او به خوبی آمده است و جای هیچ شکلی نیست که ذکر این روایت از وی نیست و چه بسا در صدر رد آن بوده است.
 ۲. چنین این کتاب به طوری است که به خوبی نمی توان بین کلام سید و قاضی در برخی از مقاطع آن، فرق گذاشت و همین مطلب موجب اشتباه شده است.
 ۳. جالب این است که این روایت در هیچ [کتاب حدیثی شیعه](#) و در مجموع [کتاب های حدیثی اهل سنت](#) وجود ندارد. این مطلب ساختگی بودن آن را به خوبی نشان می دهد، پس اگر چیزی وجود داشت حتما در کتاب های [اهل سنت](#)، (اگر چه به عنوان یک [حدیث ضعیف](#)) می آمد. البته، مشابه این حدیث در کتب اهل سنت به [خلیفه دوم](#) "عمر" نسبت داده شده است.
- [\[۱\]](#) القیان چی، سید صدر الدین، تاریخ التشیع الفکری و السياسی، ص ۱۷۶، ناشر مرکز ابحاث العقائديه؛ بیهقی، احمد بن الحسین، السنن الصغری، ج ۲، ص ۱۸۴، "و أخبرنا أبو عبد الله الحافظ، ثنا أبو العباس مجد بن يعقوب، ثنا يحيى بن أبي طالب، نا يزيد بن هارون، نا عاصم الأحول، عن الشعبي، قال: سئل أوبكر عن الكلالة؟ فقال: « إني سأقول فيها برأى فإن يكن صوابا فمن الله، و إن يكن خطأ فمنى و من الشيطان: أراه ما خلا الولد والوالد. فلما استخلف عمر قال: إني لأستحي الله أن أرد شيئا قاله أبو بكر».

۴. مرحوم سید مرتضی در جلد ۴ کتاب الشافی و در صفحه ۱۰۴، به طور مختصر به همین روایتی که در صفحه ۷۶ نقل شده است جواب می دهد. از طریق جواب دادن وی به خوبی و به صراحت فهمیده می شود که این روایت را در صفحه ۷۶، از کتاب "المغنی" عبدالجبار نقل کرده است. وی می گوید: اما در پاسخ به آنچه ذکر کرد، در عدم پرداختن [امیرالمومنین](#) (علیه السلام) به فدک و ترک آن، در زمانی که به خلافت رسید، می گویم: ایشان در آن زمان در [تقیه](#) شدید بود (به طوری که اگر این مطلب را اظهار می کرد حتما مورد قبول مردم واقع نمی شد).
- [\[۵\]](#) سیدمرتضی علم الهدی، علی بن الحسین، الشافی فی الامامة، مقدمه الشافی، ج ۴، ص ۱۰۴، ناشر مرکز ابحاث عقائديه. بی جا، بی تا.

با همه این قرائن و شواهد به خوبی می توان فهمید که ایشان در آوردن این شبه روایت قصدی جز انکار آن نداشته است و بر فرض پذیرش این روایت، به وجود اسباب و شرایط تقیه در زمان حضرت علی (علیه السلام) اشاره کرده و به رد دلالت این روایت پرداخته است.

پانویس

۱. [↑](#) تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۸۰، نشر اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸.
۲. [↑](#) تهرانی، شیخ آقا بزرگ، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۱۰، ص ۱۸۰، نشر اسماعیلیان، قم، ۱۴۰۸.
۳. [↑](#) سیدمرتضی علم الهدی، علی بن الحسین، الشافی فی الامامة، مقدمه الشافی، ج ۳، ص ۱۹، ناشر مرکز ابحاث عقائديه. بی جا، بی تا.
۴. [↑](#) القیان چی، سید صدر الدین، تاریخ التشیع الفکری و السياسی، ص ۱۷۶، ناشر مرکز ابحاث العقائديه؛ بیهقی، احمد بن الحسین، السنن الصغری، ج ۲، ص ۱۸۴، "و أخبرنا أبو عبد الله الحافظ، ثنا أبو العباس مجد بن يعقوب، ثنا يحيى بن أبي طالب، نا يزيد بن هارون، نا عاصم الأحول، عن الشعبي، قال: سئل أوبكر عن الكلالة؟ فقال: « إني سأقول فيها برأى فإن يكن صوابا فمن الله، و إن يكن خطأ فمنى و من الشيطان: أراه ما خلا الولد والوالد. فلما استخلف عمر قال: إني لأستحي الله أن أرد شيئا قاله أبو بكر».
۵. [↑](#) سیدمرتضی علم الهدی، علی بن الحسین، الشافی فی الامامة، مقدمه الشافی، ج ۴، ص ۱۰۴، ناشر مرکز ابحاث عقائديه. بی جا، بی تا.

منبع

[پارگاه اسلام کوئیت](#)